

نویسنده : وینچنزوسی یستو

مترجم : کامران سپهری

### اندازه گیری اقتصاد پنهان (۱)

الف - به مبارزه طلبیدن آمارشناسان :

پس از یک دوران شور و اشتیاق ناشی از موفقیت در زمینه تخمین میزان فعالیت‌های پنهان اقتصادی، اکنون بنظر بسیاری از دانشگاہیان، اقتصاد پنهان دوباره بصورت وجودی اسرارآمیز و غالب بر هر معیار اندازه گیری درآمده است. بحران اقتصادی دهه ۷۰ بیش از هر چیز به اسرارآمیز جلوه کردن اقتصاد پنهان کمک نموده است. با بررسی معیارهای اجتماعی، و یا آنچه رسانه‌های گروهی تصویری نمودند، در این دوران تفاوت زیادی در سطح وجهت روند های تخمین زده شده اقتصاد آشکار (رسمی) توسط آمارشناسان، و علائم تعادل (بارشد) کشورهای مرفه و پیشرفته غربی احساس می‌شد. از سال ۱۹۶۶، اقتصاد دانان، جامعه‌شناسان و روزنامه‌نویسان نخست بطور تلویحی و

۱- این مقاله که توسط Vincenzo Siesto از موسسه مرکزی آمار ایتالیا در سال ۱۹۸۹ در *چهل و هفتمین کنفرانس بین‌المللی آمار (ISI)* ارائه گردیده، علاوه بر روشهای کلی محاسبه اقتصاد پنهان، اشاره‌ای به نحوه محاسبه آن در ایتالیا نیز دارد.

سپس بصورت علنی شروع به سخن گفتن از اقتصاد پنهان در کنار اقتصاد آشکار نمودند و چنین اظهار داشتند که گرچه این اقتصاد از نظر روند های تخمین زده شده گمراه کننده است ولی در عمل بسیار کارآمد می باشد .

آمارشناسان بواسطه اختلاف در روش بررسی و مفاهیم عنوان شده در مطبوعات و حتی مطالب نامناسبی که در نا نگاهیان در این زمینه از خود ابداع می کنند ، عملاً نمی توانند کاری انجام دهند .

آنطور که در متون موجود آمده است ، سابقه و قدمت اقتصاد پنهان مشخص نمی باشد ولی ظاهراً همیشه وجود داشته ، اگرچه در دهه های اخیر بیشتر توسعه یافته است . این نوع اقتصاد را می توان در بازار کار غیرقانونی ، ساختمانهای غیرمجاز ، خدماتی که برای همسایگان انجام می شود ، مبادلات غیرقانونی ، تولیدات خانگی ، کسب و کارهای کوچکی که برای فرار از مالیات و هزینه بیمه های اجتماعی بطور پنهانی فعالیت می کنند و غیره ، مشاهده نمود .

#### ب - تعریف اقتصاد پنهان (۱) :

بعید است کسانی که در زمینه اقتصاد پنهان مطالعه و بررسی می کنند ، از بکار بردن مفاهیم شخصی مورد نظر خود ( از قبیل پنهان ، زیرزمینی ، غیرعادی و غیر رسمی و ... ) دوری جویند .  
واژه ها و مفاهیم مختلف در متون تحقیقاتی در نا نگاهیان ، مفاهیم خاص خود را دارد . در این مقاله سعی می شود نظرات عمومی تر آمارشناسان اقتصاد را تا حد امکان در ارتباط بایکدیگر تشریح شود .  
حتی جامعترین تعاریف ارائه شده در روشهای استاندارد سیستم حسابداری ملی (۲) و روش حسابداری

۱- Hidden Economy

۲- A System of National Accounts (SNA)

کشورهای اروپایی (۱) پیچیده و غامض است، بخصوص منبع دوم مفهومی گنگد و قرارداد ادی از اقتصاد بدست می دهد و با اینحال توسط بسیاری از دانشگاہیان بعنوان پایه و اساس گرفته شده است . برای ادامه بحث ، می خواهم د سوال مطرح کنم :

(۱) د رمفهوم کلی و جامع ، مجموع فعالیت های انسانی که اقتصاد را می سازد چیست ؟

(۲) مرز اقتصاد آشکار و اقتصاد پنهان کجاست ؟

بنابینظر اک و کازمیسر (۲) د رتعریف اقتصاد ، مفهوم " تولید " ، نقشی اساسی دارد . بنا

تعریف " تولید " ، مفاهیم مختلف مانند د رآمد ، مصرف ، پس انداز و تشکیل سرمایه نیز د رچارچوب آن قرار می گیرند ، زیرا هر یک از آنها جنبه ای متفاوت از یک جریان را بیان می دارند و بنا براین ، برای تعریف مفهوم اقتصاد ، لازم است چارچوب وحد و تولید ، مشخص شود . طبق تعریفی که د ر د وروش فوق الذکر آمده است ، کلیه فعالیت های که به پاداش عوامل تولید ختم شود ( شامل خدمات دولتی و انواع سازمان های اجتماعی ) ، د رچارچوب تولید به حساب آمد و اقتصاد را بوجود می آورند . منابع فوق ، فعالیت های معدود دیگری را هم که منجر به پاداش مستقیم نمی شود ( نظیر تشکیل سرمایه شخصی ، تولید کالا های اولیه و مواد غذایی برای مصرف شخصی و استفاده از خانه شخصی ) نیز جزو تولید قلمداد می کنند . چیزهایی که خارج از این تعریف قرار می گیرند ، عبارتند از : ۱ - خدمات خانگی ( آشپزی ، نظافت ، بچه داری ، تعمیرات منزل و غیره ) ، ۲ - کالاها و خدمات غیر اولیه (۳) تولید شده توسط تولیدکنندگان غیر حرفه ای که د ر کشورهای جهان سوم متسد اول بوده و لسی باتوجه به خودآموزهای مختلف د ر کشورهای صنعتی هم د ر حال گسترش است ( از قبیل تعمیرات خانه ، اتومبیل و

۱ - Le Systeme European de Comptes Economiques Integres (SEC)

۲ - Eck and Kazemier

۳ - Non-primary goods and services

لوازم منزل) ۳۰ - کارهای داوطلبانه بدون پاداش مادی، که براساس احساس دلسوزی و همدردی با هم‌نوعان توسط اعضاء موسسات غیرانتفاعی ارائه می‌شود. این فعالیتها جزئی از اقتصاد غیررسمی را تشکیل می‌دهند.

جهت تکمیل تصویری که روشهای مذکور از اقتصاد بدست می‌دهند، باید در حسابهای ملی اشاره ای به تولیداتی نمود که از کسب و کار غیرقانونی حاصل می‌شود. این روشها تمایزی میان انواع نحوه تولید غیرمجاز (مثلا بعلت نداشتن جوازکسب، ایجاد آلودگی هوا، بکارگیری مهاجرین بدون اجازه کار و غیره) که بواسطه قوانین مالی یا مقررات تامین اجتماعی، غیرمجاز شناخته شده‌اند، قائل نیستند. از سوی دیگر، اکثر فعالیتهای خلاف و غیرقانونی اقتصادی، به دو دلیل فنی جایی در حسابهای ملی ندارند. نخستین دلیل عبارت است از ابهام و دشواری در تشخیص میزان انتقالات (انواع دزدی و جعل) و تشخیص رضایت طرفین در مورد انتقالات (از قبیل قمار، قاچاق، توزیع مواد افیونی و غیره). دومین دلیل عبارت است از فقدان ابزارهای آماری برای اندازه گیری این نوع فعالیتها.

مفهوم تولید که باعث ظهور تعریف اقتصاد در روشهای استاندارد حسابهای ملی (SNA) و SEC) گردیده است گاه بوسیله نظریه های اقتصادی غلو و گاه اندک گرفته شده است. روش هیل (۱) در زمینه تعیین حد و فعالیتهای مولد و غیرمولد، بسیار جالب است. جهت تجزیه و تحلیل کاربرد زمان، هیل می‌گوید: تمام فعالیتهایی که شخص برای خود انجام می‌دهد، "فعالیت" شخصی است. خواب و تفریحات و استراحت از نظر مفهوم، غیراقتصادی هستند. بجای تفریح و استراحت،

شخص می تواند وقت آزاد خود را صرف انجام خدمتی برای خود کند یا دیگری را برای انجام آن اجیر نماید. به قول آقای هیل، این نوع کار "مجزا" از بازار واقعی کار است. اینگونه فعالیتها که خارج از محدوده مشخص شده در روشهای مذکور است، در طرح پیشنهادی هیل جزو اقتصاد محسوب می شود (از جمله خدمات خانم خانه دپرورش کودکان، آشپزی، نظافت، تعمیرات و همچنین تولید مواد ضروری مصرفی که از ویژگیهای اقتصاد جهان سوم است). در مدل هیل نکات مبهمی وجود دارد. بطور مثال در مورد بخشی از وقت آزاد مردم که نه بصورت کارمندی اول صرف می شود و نه به استراحت می گذرد (مانند زمان خدمت سربازی، دوران زندان، بستری بودن و غیره) سخن گفته نشده است و از سوی دیگر، مرز میان وقت آزاد و کارمندی در برخی موارد (مانند کارهایی که از طریق کتابهای خودآموز آموخته و انجام می شود که هم جنبه تولید و هم جنبه تفریح دارد، همینطور انجام آشپزی همراه باگوش کردن به رادیو یا دیدن فرزندانش) کاملاً مشخص نشده است.

در همین مقوله فکری، نظریه دیگری وجود دارد که توسط هارلیشین (۱) بعنوان "معیار شخص ثالث" (۲) ارائه شده که امروزه بیشتر مورد قبول است. طبق این روش که دامنش وسیعتر از روشهای استاندارد حسابهای ملی است، هر فعالیتی که باعث ایجاد "منفعت" شود و قابل انجام توسط اشخاص دیگری هم باشد، جزو اقتصاد محسوب می شود. در چارچوب این نظریه می توان میان اقتصاد مورد نظر در روشهای فوق الذکر و فعالیتهای خلاف و غیرقانونی و اقتصاد غیررسمی، تمایز گذاشت. اقتصاد مورد نظر در روشهای استاندارد حسابهای ملی شامل اقتصاد رسمی می شود که "مشخص، قابل اندازه گیری و تابع مقررات دولتی بوده و مالیات بپردازد و قرارداد کار رسمی منعقد نماید و بیس

۱- Hawrylyshyn

۲- Third-Party criterion

شامل اقتصاد قانونی بوده ولی با استفاده از بازار کار غیرقانونی عمل کند " . من شخمامایلم اقتصاد تعریف شده در روشهای مذکور را به دو بخش منظم و غیرمنظم تقسیم نمایم زیرا مانند پیشروان این طرز تفکر، من نیز معتقد هستم که اگر یکی از مقررات هم اجرا نشود (مثلا استفاده از بازار کار غیرقانونی) می توان آن کار را در مجموعه فعالیت های اقتصادی آورد . خلاصه این مفهوم در جداول ذیل آمده است . این مقاله بر اساس همین جدول شکل گرفته است .

## جدول شماره ۱

تفکیک اقتصاد بر حسب کالاهای تولیدی و چگونگی رعایت مقررات

قلمرو سنتی تولیدات		چگونگی رعایت مقررات
خارج از محدوده SNA/SEC	در محدوده SNA/SEC	
غیر رسمی جزائی	آشکار پنهان	طبق مقررات خارج از مقررات

## ج - محتوای اقتصاد پنهان :

در چارچوب مشخص شده برای تولید در روشهای استاندارد حسابهای ملی اکثر فعالیتها بطور آشکار انجام می شود . در این چارچوب ، تنها اقتصاد آشکار است که در محدوده مقررات رسمی ، تولید ، مبادله ، توزیع و پس انداز سرمایه گذاری می کند . اخذ آمار و ارقام این اقتصاد نیز روشن و واضح است زیرا بران این نوع اقتصاد ها در مقابل مقامات دولتی چیزی را پنهان نمی نمایند .

فعالیت‌های اقتصادی به مقامات مسئول آمار، گزارش می‌شود. خطای احتمالی در این آمارها ناشی از تمایل به حفظ اصل محرمانه بودن اطلاعات در مقابل برخی از مقامات است ولی بطور کلی، ارقام مربوط به این بخش، تصویر نسبتاً خوبی از فعالیت اقتصادی آشکار می‌دهد. در شرایط و کشورهای که رعایت مقررات از سوی صاحب کاران اقتصادی، متداول است، ارقام تولید ناخالص داخلی (۱) می‌تواند همان ارقام مربوط به اخذ مالیات و یا آمار مربوط به بیمه اجتماعی باشد و فقط تعدیل‌هایی در مورد تعاریف صورت گیرد. شرکت‌های بزرگ خصوصی، ادارات و موسسات دولتی در قلمرو جریان تولیدات و درآمد این اقتصاد بوده و انگیزه چندانی برای فرار از مالیات ندارند. مورد اقتصاد پنهان، کاملاً متفاوت از این است. کسانی که در اقتصاد پنهان فعالیت دارند سعی می‌کنند حد اکثر منافع اقتصادی را از طریق کاهش هزینه مالیات و بیمه‌های اجتماعی، بدست آورند و یا ساعت کار بیشتری را برای کارکنان مقرر دارند و بطور کلی مرتکب چندین عمل خلاف مقررات می‌شوند. با توجه به مطالعات موردی بین‌المللی، اکثر فعالیت‌های اقتصاد پنهان در چارچوب موسسات کوچک، کسب و کارهای فردی (بدون کارمند و کارگر) می‌باشد که مشغول تولید کالاها و خدمات (بخصوص تعمیرات) هستند و کارکنان مزد بگیر این بخش نیز در فعالیت‌های اشتغال دارند که مقررات کشور اجازه انجام کارهای غیر منظم در آن فعالیت‌ها را داده است. ریشه این اعمال در تمایل مردم به افزایش سود، خواه از طریق افزایش درآمد، خواه از طریق کاهش هزینه‌ها است.

اگر جنبه تقاضا را در نظر آوریم، اقتصاد پنهان از اینجاست که چشمه می‌گیرد که مشتری (مصرف‌کننده)

خواهان خرید به پائین ترین قیمت و مناسبترین وقت و محل است . اگر تعمیر شیرآب بوسیله کارگر ساختمان ، بدون پرداخت مالیات و ارزان و در وقتی که برای مشتری مناسب است و او در خانه است ، صورت گیرد ، چرااویی يك لوله کش رسمی برود ؟ ولی در مواردی که خرید کالاهای تحت کنترل شدید دولت است ( مانند معامله اتومبیل ) ، مشتری حق انتخاب چندانی ندارد . در طرف عرضه ، فعالیتهای غیرقانونی موسسات که در حسابداری آنها منظور نمی شود ، بیشتر برای موسسات کوچک که کمتر تحت توجه و حسابرسی هستند ، امکان پذیر است . از جمله این کارها ، فعالیت مرد مدرشغل دوم ( یا شب کارها ) ( ۱ ) است که شاید بازده آن کمتر از بازده کار تمام وقت نباشد . فعالیتهای مدرن که مستلزم کاربرد سرمایه هنگفت بوده و ضرورتاً باید در تمام بیست و چهار ساعت مورد استفاده قرار گیرد ، مستثنی بوده و جزو شب کاری محسوب نمی شود .

نتایج مطالعه بین المللی که در سال ۱۹۸۲ توسط اسکولکا ( ۲ ) انجام گردید نشان می دهد ، بخشهای اقتصاد که بیشتر تحت تاثیر اقتصاد پنهان هستند ، عبارتند از : کشاورزی ، تولید محصولات غذایی ، تولید کالاهای چوبی و مبلمان ، کارهای ساختمانی ، تعمیرات اتومبیل و دیگر کالاهای بادوام ، خرده فروشی ، اجاره اتاق و فروش غذا ، انجام خدمات خصوصی برای افراد خانوار ، باغبانی ، خدمات زیبایی و خدمات تخصصی . در این فعالیتهای نه فقط شب کاریها مشخص می شود ، بلکه اشتغال پنهانی هم دیده می شود . جدول شماره ۲ طبقه بندی متداولترین فعالیتهای از این نوع را نشان می دهد .

---

۱ - Moonlighters

۲ - Skolka



## جدول شماره ۲

## محتوای اقتصاد پنهان

نوع	مثال
۱ - فعالیتهای شناخته‌نشده‌ای که در سیستم حسابداری موسسه وارد نشده و علت آنند داشتن جواز و بافرار از مالیات و هزینه بیمه اجتماعی است .	تولید کالا و خدمت از طریق اشتغال شخصی و بدون کارگر ( یا موسسات کوچک ) . خدمات تعمیراتی منزل . فروش توسط دوره‌گردها . فعالیتهای ثبت نشده و نگاههای معاملات املاک . خدمات ثبت نشده و منحصمین .
۲ - اشتغال شخصی بعد از ساعت کار رسمی .	شب‌کاریها : در کشاورزی، تعمیر منزل، تجارت و خرید و فروشی، حسابداری، کارهای تخصصی مشارکتی . تولید ( صنایع دستی خانگی ) . خدمات مشورتی، مقاله‌نویسی و ام‌سور روزنامه نگاری .
۳ - فعالیتهای ابراز شده توسط کارکنانی که کار آنها شناخته‌شده و رسمی نیست .	خدمت منزل و پرستاری . کارآموزان بدون مجوز . کسانی که بورس دانشگاهی دارند . مهاجران غیرقانونی و شب‌کارها .
۴ - ممارف غیرقانونی سرمایه .	اجاره در اجاره اتاقهای منزل اجاری، رباخواری

با آنکه اقتصاد پنهان و فرار از مالیات با هم تابیده شده اند، نباید آنها را با هم مخلوط نمود

زیرا برخی از فعالیتهای اقتصاد بی‌خطرفرار از مالیات، پنهان نشده اند . در واقع، فعالیتهای

زیادی هست که بخاطر فرار از یزود اخت برخی از جرائم ( نظیر استخدام مهاجران غیرمجاز )، پنهان

شده اند. فرار از مالیات حتی در اقتصاد آشکار نیز ممکن است صورت گیرد، چه از طریق شناخت راههای ممکن در قانون مالیاتی و چه بواسطه عدم آشنائی با قانون و پیروی از رفتار متداول در برخی از کشورها.

طبق نظر اک و کازمیر، گذشته از معیار فرار از مالیات، می توان هر فعالیتی را که یکی از مقررات راعایت نکرده باشد، تابع اقتصاد پنهان است. بدون هیچ گونه تردیدی، اگر در جائی ارائه آمار به مقامات اجباری باشد مردم سعی می کنند وارد اقتصاد پنهان شوند. با توجه به اینکه مقامات آمار مرکزی کشور با ادارات مالیاتی ارتباطی ندارند و غالباً اصل محرمانه بودن آمار راعایت می شود، این مقامات سعی در بیان این مطلب ندارند که اقتصاد پنهان، از نظر آنها چندان پنهان نیست. ولی احتمال کم بودن مقادیر تخمینی تولید ناخالص داخلی و تفاوت آن با مقدار واقعی وجود دارد. بدین ترتیب در واقع اقتصاد پنهان بخش باقیمانده یا مابه التفاوت است.

سفسطه در مورد روشهای موجود باعث ایجاد توهم در میزان کاهش ارزیابی صحیح تولید ناخالص داخلی ناشی از اقتصاد پنهان می باشد. بلیدز (۱)، در سال ۱۹۸۲ اظهار داشت، پنهان کاری جهت فرار از مالیات، دلیل بر حذف اقلام از تولید ناخالص داخلی نمی شود، بخصوص در مواردی که آمارشناسان در تخمین های خود بجای درآمد و هزینه، از جریان کالاها و خدمات استفاده می کنند. برخی از کشورها بقدری از پاسخهای کمتر از واقع درآمدها آگاهند که بطور خودکار، این کم گوئیها را تعدیل می کنند. بلیدز در همان سال، میزان این تصحیح را برای تولید ناخالص داخلی برخی از کشورهای عضو OECD (۲) معادل ۲ درصد گزارش نمود. اگر در کشوری تولید ناخالص داخلی بخشی از

۱- Blades

۲- Organization For Economic Cooperation and Development

اقتصاد راد برر می گیرد ، تعد یلات کلی انجام شده به معنای منظور نمودن تمام اقتصاد پنهان نیست .

نتیجه آنکه ، اقتصاد پنهان شامل فعالیت‌هایی می شود ( ولی نه فعالیت‌های جزائی ) که بمنظور فرار از مقررات اقتصادی - اجتماعی موجود صورت می گیرد بطوریکه مورد قبول و تحمل سیستم اقتصادی ذیربط نیز باشد .

د - روشهای ارزیابی اقتصاد پنهان :

۱ - کلیات :

روشهای برای ارزیابی اقتصاد پنهان وجود دارد که بطورکلی ، می توان آنها را به سه گروه تقسیم نمود : روشهای مستقیم ، غیرمستقیم و روشهای ترکیبی .

روشهای مستقیم رامی توان از طرق مختلف از جمله بررسی خانوارها ، بررسی مشارکت فعالانه یا غیرفعالانه افراد و موسسات در اقتصاد پنهان و بررسی نحوه گذران اوقات روزانه انجام داد . اک و کازمیر معتقدند که روش مستقیم باعث می شود اطلاعات مستقیمی در مورد خود واحد هائی که یادگیر اقتصاد پنهان هستند و با آنرا تغذیه می کنند ، بدست آوریم . این اطلاعات علاوه بر کمک به تعریف بهتر موضوع ، به ایجاد ارتباط با عوامل دیگر نیز کمک می نماید . محدودیت روشهای مستقیم از یک سو بواسطه کتمان منابع اطلاع ( بخصوص اگر زیاد درگیر اقتصاد پنهان باشند ) و از سوی دیگر ، ناشی از مساله فنی تعمیم نتایج حاصله که اغلب از نمونه هائی خاص و شرایطی خاص گرفته شده و امکان تعمیم را به ما نمی دهد ، است .

روشهای غیرمستقیم شامل روشهای تبعیضی در مورد منابع مختلف ، روشهای مختلف پولی (۱) ،

مدل متغیرمشاهده نشده (۱)، تجزیه و تحلیل حساسیت پاسخگویان نسبت به درآمدهای پنهانی و تجزیه و تحلیل مشارکت نیروی کار در جمعیت فعال می باشد. در این نوع تحقیقات، محقق، مدلی بعنوان نماینده اقتصاد واقعی، مشخص می کند و اطلاعات مربوط به اقتصاد پنهان را از طریق اطلاعات غیرمستقیم، بدست می آورد. نتایج این روش، بسیار کلی بوده و اجازه نمی دهد نحوه عملکرد اقتصاد پنهان، آشکار گردد، محدودیت روشهای غیرمستقیم بواسطه کمبود مدلهای تئوری، ضعف کیفیت متغیرهای مورد استفاده و مشکلات ناشی از ترکیب متغیرهای کمی می باشد. بعلاوه، نتایج حاصله از روشهای غیرمستقیم، از قلمرو اقتصاد پنهان (چه بطرف اقتصاد جزائی و چه بطرف اقتصاد آشکار) تجاوز می نماید. بطور خلاصه باید گفت که روش غیرمستقیم، نتایجی کلی بدست می دهد.

روش ترکیبی در واقع ترکیبی از روشهای مستقیم و غیرمستقیم، همچنین روشهای غیرتصادفی اعمال شده توسط متخصصین می باشد. خطر استفاده از روشهای ترکیبی در این است که احتمالاً تمام اقتصاد پنهان را نمی پوشاند. در این روش، چون هر بخش اقتصاد پنهان به روش خاص و شاید توسط افراد متفاوتی ارزیابی می شود، امکان احتساب مضاعف و همچنین از قلم افتادگی و امکان تجمع انواع خطا نیز وجود دارد.

## ۲ - بررسی نمونه ای فعالیتهای پنهان:

در کشورهای صنعتی مثالهای بسیاری از بررسی نمونه ای فعالیتهای پنهان، وجود دارد. طرح کلی بررسی باین صورت است که یک نمونه نماینده جامعه مورد بررسی انتخاب شده و دلایل و میزان منافع حاصل از عملکرد در اقتصاد پنهان، پرسیده

می شود. برخی از این نوع بررسیها، اطلاعات لازم را از خریدارانی که از اقتصاد پنهان خرید می کنند، اخذ می کنند. این نوع بررسیها موفقیت آمیز است زیرا خریداران مسئول کارهای پنهانی نبوده و خود را در خطرندیده و اطلاعات دقیقتری ارائه می دهند.

بهترین مثال از بررسی مستقیم عبارت است از بررسی نی که در سال ۱۹۸۳ توسط مرکز تحقیقات دانشگاه میشیگان انجام شد. بررسی مذکور که در سطح ملی انجام شد، محدود به خریداران کالاها و خدمات از اقتصاد پنهان بود. پرسشنامه برای دوره ای سه ماهه در سال ۱۹۸۱ در چارچوب بررسی ماهانه عادات مصرفی تهیه و با ۷۰۰ خانوار نمونه، مصاحبه گردید. خانوارها بر اساس چهار رقم آخر شماره تلفن و یک کد پستی منطقه ای، بطور تصادفی انتخاب شدند. بررسی فقط شامل خریدارانی می شد که از فروشندگان غیرعادی (یعنی کسانی که بیش از یک مورد عمل خلاف قانون داشتند، یا فاقد جواز بودند، یا سهم تامین اجتماعی را پرداخت ننموده بودند و ۰۰۰۰) خرید کرده بودند. این بررسی در مورد خریدهایی که موسسات یا افراد به اقتضای حرفه خود از این فروشندگان غیرعادی نموده بودند، اطلاعاتی بدست نداد.

تخمین زده شد که خرید کالاها و خدمات خانوارهای آمریکایی از عرضه کنندگان غیرعادی (پنهانی) معادل ۱/۵ درصد تولید ناخالص داخلی این کشور بود. ترکیب زنبیل خرید خانوارها از این منابع پنهانی چنین بود: حدود ۳۰ درصد مربوط به تعمیرات منزل، بیش از ۲۰ درصد مواد غذایی، بیش از ۲۰ درصد خدمات خانگی و بچه داری و ۷ درصد مربوط به تعمیرات و ترمیم. در مقابل این بررسی که جنبه بازاری اقتصاد پنهان را از دیدگاه تقاضا مورد مطالعه قرارداد، در برخی کشورهای دیگر بررسیهایی در مورد بازاریاب کار و بیابطور کلی، بازاریاب اقتصاد پنهان انجام شده که جنبه عرضه را مورد توجه قرار داده است. طبق محاسبات انجام شده، سهم کار غیررسمی

د رسوئد برابر ۱ د رسدو د رنروژ حد ود ۳ د رسد تولید ناخالص د اخلی ود رهلند معادل ۱ د رسد د رآمد ملی بود ه است .

د رزمینه اشتغال د ربازارسیاه کار، روشن است که پاسخگوبانی که مستقل کاری کنسند راحت ترپاسخ می دهند ( آرایشگرها ، لوله کش ها ، نقاشهای ساختمان ، مکانیکهای اتومبیل و پرستارهای بچه ) ، ولی همکاری کسانی که برای موسسات وابسته به اقتصاد پنهان کاری کنسند ، محتاطانه تراست . کسانی که بطوررسمی استخدا م شده ولی اضافه کاری کنسندو صاحب کار، این اضافه کارراگزارش نمی کند ، یاکسانی که د رمنزل یاد رکارگاه اضافه کاری کنسند ود رقرارداد شان ذکری نشده ، به احتمال زیاد عمل خلاف صاحب کارراکه به آنهاکار داده است ، کتمان می نمایند . جهت مقابله بااین کتمان ، هلند بهاد ربررسی خود از شش روش مختلف استفاده نمودند . نتایج بررسی نشان داد که نرخ مشارکت د رمشاغل ربازارسیاه کارمعادل ۱۲ د رسدکل مشاغل افراد ۱۶ ساله بهبالاست ( حد ود ۱/۲ میلیون شغل که معادل ۱۰۰ هزارواحد کارتمام وقت بود ) وسهم آن در د رآمد ملی معادل ۱ د رسد بود . نوع مشاغل حاصل ازاین بررسی بیش ازنتایج حاصل ازبررسی د دانشگاه میشیگان بود ( ازقبیل تعمیرات ، خدمات خانگی ، داد وستد تجاری ، خدمات عمومی ، حسابداری ، ماشین نویسی ، ترسیم و بطورکلی کارهای اداری ) .

یکی از موسسات آماری ایتالیا نیز در چند مورد که کار غیررسمی زیاد است ( تعمیرات منزل واجاره اتاق وفروش غذا ) ، اقدام به انجام یک بررسی نمود . د رمورد خدمات تعمیراتی ، سوال شده بود که آپسا تعمیرات توسط واحد های بامجوز ، بدون مجوز ، ویاخود اعضاء خانوار صورت گرفته است . د رمورد اتاق وغذای خارج ازمنزل نیز د رچارچوب بررسی بود جه خانوار ، سوالات مشابهی مطرح شسند و در مقایسه با سایر منابع ، آمار مربوط به فعالیت های غیررسمی بدست آمد .

### ۲ - روش حسابرسی نمونه ای اظهارنامه های مالیاتی :

از این روش در کشورهای فرانسه،

سوئد و آمریکا استفاده می شود. این روش به ما اجازه می دهد به آماری از اقتصاد پنهان دست بیابیم که از آمار حاصل از ارائه آمارهای اختیاری بیشتر است. در فرانسه این تفاوت تا ۳ درصد و در سوئد تا ۵ درصد تولیدخالص داخلی است. در آمریکا میزان مزد و حقوق گزارش شده توسط موسسات مختلف و بانکها و آنچه از طریق حسابرسی بدست آمده، مقایسه می شود و میزان فرار از مالیات مشخص می گردد. همچنین مقایسه نمونه های بررسی نیروی کار و اظهارنامه های مالیاتی و مندرجات فهرستهای تامین اجتماعی مشخص می کند که چه کسانی می بایست اظهارنامه تنظیم کنند و نکرده اند. بطورمثال با همین روش، کارسون و پارکر (۱) میزان فرار از مالیات در سال ۱۹۷۷ را معادل ۱۳ درصد ارزیابی نموده اند.

### ۴ - بررسی نحوه استفاده از وقت (۲) :

استفاده از بررسی نحوه استفاده از وقت چه در

اقتصاد پنهان و چه در اقتصاد آشکار، روبه افزایش است و نورامیدی است برای احتساب میزان فعالیتهای اقتصاد غیررسمی. روشهای مختلفی برای جمع آوری اطلاعات در مورد نحوه صرف وقت و میزان کارکرد آنها که باعث افزایش درآمدشان است، بعمل آمده است. در اینجا من به یک بررسی مقدماتی که در فترامارلند برای تخمین کارنامنظم صورت داده است اشاره می کنم.

این دفتر از سال ۱۹۷۵ اقدام به بررسی منظم نحوه صرف وقت مردم نمود. بررسی باین ترتیب

بود که به تعدادی افراد نمونه تصادفی دفترچه ای داده می شد تا تمام کارهای روزهای مختلف هفته را

۱ - Carson and Parker

۲ - Time use survey

د رآن بنویسند . د راین نوع بررسی ، برخلاف بررسی فعالیت‌های غیرعادی ، کلیه فعالیتها ثبت می شود . د راین بررسی ، علاوه برتنظیم د فتری به سبک پاسخگو ، پرسشنامه ای نیزوجود داشت که د رآن ، میزان وقت صرف شده برای انجام فعالیت‌های خاصی که نام برده شده بود ، برای یک مدت معین ، سوال شده بود . خلاصه نتایج این بررسی نشان می داد که مرد مقدر درگیراقتصاد پنهان وغیررسمی هستند .

#### ۵ - روش تفاوت آماری (۱) :

عمده ترین روش غیرمستقیم عبارت است از تخمین مقدار تفاوت میان ارقام د رآمد ملی که از طریق هزینه (که قابل اطمینان تر است ) بدست آمده با ارقام د رآمد ملی که از طریق تولید یا توزیع محاسبه شده است . این اختلاف د رحد ۱ الی ۶ درصد است ، شق د یگر این روش عبارتست از محاسبه اختلاف د رآمد کل که از بررسی بودجه خانوار بدست آمده و آنچه که از اظهارنامه های مالیاتی حاصل می شود . برای ایتالیا ، من اختلاف تولید ناخالص داخلی و آمارهای مبتنی بر مالیات را حساب کرده ام و نشان داد که اهمیت نسبی اقتصاد پنهان در حسابهای ملی معادل ۲۰ تا ۲۵ درصد است .

#### ۶ - روشهای پولی :

روش مبتنی بر محاسبه نسبت پول نقد و پول کاغذی ، به کل نقد یفگی قدیمی ترین روش تخمین اقتصاد پنهان است ( با این فرض که کسانی که د رگیراقتصاد پنهان هستند ، برای داد و ستد ، پول نقد را به چک ترجیح می دهند ) . اگر از سالها قبل ، یعنی زمانی که اقتصاد پنهان وجود نداشت ، محاسبه این نسبت را شروع کنیم ، پیدایش هر اختلافی د راین نسبت ، نشان د هنده تغییر حجم اقتصاد پنهان است . مقد ارواقعی آن برابر حاصل ضرب میزان افزایش



غیرعادی اسکناس و سکه در جریان د ر سرعت گردش پول می باشد . نتایج حاصل از کاربرد این روش در مورد تولید ناخالص داخلی آمریکا بیش از نتایج روشهای دیگر بوده و برای سال ۱۹۸۲ به ۱۵ درصد می رسد . فیگ (۱) تحول دیگری را در زمینه برآورد سهم اقتصاد پنهان بوجود آورد و آن عبارت بود از ارزیابی سرعت گردش پول در اقتصاد پنهان به میزان  $\frac{1}{10}$  بیش از اقتصاد آشکار . نتایج حاصله برای سال ۱۹۸۲ به رقمی بالاتر یعنی ۲۶ درصد بالغ شد .

تانزی (۲) در سال ۱۹۸۳ روشی ابداع نمود که اقتصاد پنهان را به انگیزه های فرار از مالیات مربوط می ساخت . او فرض نمود که تقاضا برای اسکناس و مسکوک ، با کاهش درآمد سرانه از محل اقتصاد آشکار و کاهش نرخ بهره سپرده ها ، افزایش می یابد و الا با افزایش مالیات و سهم مزد و حقوق از درآمد ملی ، کاهش پیدا می کند . حجم اسکناس و مسکوک از د و روش محاسبه می گردد . یک روش در برگیرنده کلیه متغیرهای مشاهده شده است در حالی که در روش دیگر نسبت مالیات برد درآمد برابر صفر فرض می شود . تفاوت بین نتایج حاصل از د و روش ، نشان د هند ه سهم پول اضافی ایجاد شده ناشی از سخت تر نمودن سیستم مالیاتی است و حاصل آن ضریب سرعت گردش پول اقتصاد آشکار ، تخمینی از د امنه و وسعت اقتصاد پنهان را نشان می دهد . وی نوع دیگری از متغیر مالیات را نیز مطرح نمود . نتایج حاصله نشان د اد که تولید ناخالص داخلی سال ۱۹۸۰ آمریکا چیزی حدود  $\frac{1}{4}$  الی  $\frac{1}{6}$  درصد کمتر از واقعیت تخمین زده شده است .

همیشه در چارچوب روشهای پولی ، و روش داد و ستد فیگ یک نسبت ثابت میان کل مبادلات پولی و تولید ناخالص ملی (۳) (جمع آشکار و پنهان) وجود دارد . پس از انجام تغییرات کوچکی در

۱- Feige

۲- GNP

۳- Tanzi

مبادلات پولی و تولید ناخالص ملی در سال ۱۹۳۹ (بافرض آنکه در آن سال اقتصاد پنهان فعال نبوده است) فیکد نسبت مذکور برای سالهای بعد محاسبه نمود و پس از کسرازکل مبادلات، حجم مبادلات پولی مربوط به اقتصاد پنهان را بدست آورد.

#### ۷ - مدل متغیرلاتنت (۱):

فسری و پومرهن (۲) حامی این نظریه هستند که تعداد

محدودی متغیر قابل رویت برحجم اقتصاد پنهان اثر دارد که خود آنها نیز ممکن است قابل اندازه گیری مستقیم نباشند. متغیرهایی که تجزیه و تحلیل آماری نشان می دهد باحجم اقتصاد پنهان همبستگی معنی داری دارند از قبیل بار مالیاتی، سنگینی مقررات اقتصادی، فساد اخلاقی در امور مالی، نرخ اشتغال به کارمردان، مدت ساعت کار و رشد تولید ناخالص داخلی می باشد. با آنکه کاربرد این روش نشان دهند اهمیت نسبی اقتصاد پنهان در کشورهای مختلف است ولی محاسبه مقدار واقعی آن دشوار است. برای انجام این محاسبه نیز باید در تاریخ اقتصاد کشورهای عقب رفت تاجایی که شواهد نشان دهد اقتصاد پنهان وجود نداشته است. ولی هلبرگر و کپل (۳) در سال ۱۹۸۸ به چنین روشی اعتراض نموده و اظهار داشتند که این روش به جای اندازه گیری اقتصاد پنهان، میزان رفاه (۴) را محاسبه می کند (یعنی حالتی را که نیازی به درگیری در اقتصاد پنهان وجود ندارد).

#### ۸ - مطالعه در مورد "حساسیت نسبت به درآمد کتمان شده" (۵):

هدف این روش،

شناخت و ارزیابی بخشهایی است که اقتصاد غیررسمی، خود را در آن نشان می دهد. مطالعه ای که

۱ - The Model of the Latent Variable

۴ - Welfare State

۲ - Frey and Pommerhne

۵ - Sensitivity to Concealed

۳ - Helberger and Knepel

Income

در مورد حساسیت نسبت به درآمد پنهان در سال ۱۹۸۵ در ایتالیا توسط ری (۱) صورت گرفت نشان داد که نرخ کم گوئی در تولید ناخالص داخلی مشاغل مختلف بین ۶ تا ۲۴ درصد است. در این روش، تجزیه و تحلیل حساسیت بر این پایه استوار است که اقلام اولیه تولید ناخالص داخلی بر حسب درجه صحت ارقام آماری ونحوه ساختار بنیادی موسسه مورد بررسی، طبقه بندی می شود. در اول عبارت است از درآمد وهزینه بخش عمومی، بانکها وشرکتهای دولتی که اطلاعات واررقام آنها کامل ومستقیم اخذ می گردد. در رده پائین، آمارهای تخمینی موسسات کوچک بخش خصوصی قرار می گیرند. این نوع بررسیها از این نظر مفید هستند که برآوردی غیر مستقیم از خطر کم گوئی کلی که شاید همیشه هم مترادف با خطر پنهان کردن درآمد ها، نیستند، بدست می دهند.

۹ - تجزیه و تحلیل مشارکت ملی نیروی کار: آخرین نماگری که نیاز به توجه دارد، بر اساس مقایسه نرخ مشارکت نیروی کار در کشورهای مختلف است. این روش با استفاده از فرضیه های دیگر وهمنین تفاوت نرخهای رسمی ونرخهای حاصل از تحقیقات بخش خصوصی، تقویت می شود. نتایج این بررسی، لااقل در مورد ایتالیا بیش از نتایج سایر بررسیها بوده و بین ۱۰ تا ۲۰ درصد تولید ناخالص داخلی است. این روش منکی برفروشی شامل: اینکه نرخ مشارکت در کار فقط تحت تاثیر کار غیر رسمی است، اینکه بجز مشاغل غیر رسمی فعالیت پنهان به شکل دیگری وجود ندارد، و اینکه کشورهای مورد مقایسه دارای اقتصاد پنهان نیستند، می باشد.

۱۰ - روشهای ترکیبی: این گروه از بررسیها شامل روشهای مختلفی است که معروفترین

آن به " قضاوت عقلانی " (۲) محقق موسوم است که در ایتالیا متداول بوده وتولید ناخالص داخلی را

به مقدار قابل ملاحظه ای تعدیل می نماید. با ارزیابی مجدد میزان اشتغال و میزان بهره وری در موسسات کوچک، و با بحاسبه مجدد میزان درآمد سرمایه و معیارهای دیگر، اقتصاد پنهان ایتالیا در سال ۱۹۸۵ بین ۱۴ تا ۲۲ درصد تولید ناخالص داخلی برآورد شده است. در سال ۱۹۸۵ در اتریش فعالیتهای پنهان مزد و حقوق بگیران و کارکنان مستقل توسط فرانسوی (۱) بطور مجزا برآورد شد. وی تفاوت درآمد کارکنان مستقل و کسانی را که در رشته های مشابه کارگرداشتند، محاسبه نمود، و در مورد مزد و حقوق بگیران، میزان اضافه کار و کار متفرقه (غیر از شغل اصلی) را مورد بررسی قرارداد. ریچی (۲) در سال ۱۹۸۹ روشهای دیگری ابداع نمود که متکی بر فرض وجود ارتباط کلیدی میان یک سری عملیات اقتصادی، نظیر ارتباط میان صادرات و تولید، یا ارتباط داده انرژی و بازده بود و به این ترتیب میزان کم گوشتی در تولید ناخالص داخلی را معادل ۱۵ الی ۱۷/۷ درصد برآورد نمود. پاتریجی (۳) معتقد است که تفاوت نتایج حاصله و ترس از اینکه استفاده از این روشها بخشی از اقتصاد جزائی را هم در برمی گیرد، باعث شده که هیچگونه توجیهی برای کاربرد روشهای مختلف و ترجیح آنها به روشهای رسمی محاسبه تولید ناخالص داخلی ارائه نشود.

#### ۱۱ - روشهای مورد استفاده موسسه مرکزی آمار ایتالیا:

روش کاربردی در تجدید نظر

جامع حسابهای ملی ایتالیا در سال ۱۹۸۷، ترکیبی هنرمندانه از روشهای مختلف بود. با توجه به مطالعه عملی فعالیتهای پنهان (جدول ۲)، موسسه آمار سعی نمود تخمینی از حجم کل نیروی کار (رسمی و غیر رسمی) موجود در تولید ناخالص داخلی را بدست آورد. موسسه بر این باور بود که آمار کار رسمی در تمام منابع آماری وجود دارد ولی آمار فعالیتهای غیر رسمی در برخی از منابع وجود دارد و

۱ - Frany

۳ - Patrigi

۲ - Ricci

باید بد نباش گشت \*

تطبيق آمار سرشماریها و آمار حاصل از بررسیهای نمونه ای نیروی کار، جالبترین کارموسسه در جریان تجدید نظر حسابهای ملی بود \* در کلیه بخشها بجز کشاورزی، این مقایسه امکان داد که مقدار اشتغال بخشهای مختلف اندازه گیری شود \* برای تخمین همگن بودن بررسیهای مختلف جهت مقایسه، نخست تعدیلاتی صورت گرفت \* آمار سرشماری جمعیت، بر حسب ناحیه، و منطقه ای که شاغل کاری کرد، مجدداً توزیع شد \* این توزیع مجدداً باعث شد که هم قابلیت مقایسه سرشماری صنعتی بهبود یابد و هم ایتالیا نیثی که بطور موقت در خارج از کشور کاری کردند، حذف شوند \* جهت بهبود قابلیت مقایسه از نظر فعالیتهای اقتصادی، آمار سرشماری جمعیت که بر حسب نواحی توزیع شده بود، مجدداً بر حسب خوشه های تولید، طبقه بندی شد تا فعالیتهای مشابه اقتصادی بایکدیگر مقایسه گردند (مانند صنایع فلزی، ساخت ماشین آلات صنعتی و کارخانه) \* این کار برای تعدیل خطای گذاری فعالیتهای اقتصادی کسانی که خود، فعالیت اقتصادی پنهان خویش را در سرشماری ابراز کرده بودند، بسیار موثر بود \*

دامنه فعالیت در چارچوب هر یک از ۲۰ ناحیه کشور سه نوع اشتغال (مزد و حقوق بگیر، دستیار، و افرادی که برای خود کاری کنند)، از ۶۷۵ طبقه فعالیت اقتصادی اولیه به ۵۶ گروه که معادل خوشه های تولیدات صنعتی بود، محدود شد \* در تعدیل از نواحی و در مورد برخی فعالیتهای اطلاعات خوشه ای تعدیل از صنایع که بطور همزمان از بررسی نمونه ای نیروی کار، بدست آمده بود، بیش از نتایج مشابه بدست آمده از سرشماری جمعیت بود \* در چنین مواردی اگر درجه اطمینان نتایج کمتر از ۹۵٪ می بود، نتایج نمونه ای نیروی کار، جانشین نتایج سرشماری می گردید \* گذشته از جنبه نمونه گیری بررسی نیروی کار، نتایج حاصل از این بررسی در مورد

کسانیکه برای خود کارمی کردند ، بهتر از نتایج سرشماری بود و این برتری ، مدیون اجرای نقشش آمارگیران بررسی نمونه ای بود .

پس از آنکه منابع آماری ، همگن گردید ، قدم بعدی عبارت بود از مقایسه دوسری اطلاعات ناحیه ای ( ناشی از دوبررسی ) بترتیب ذیل : درحالت تساوی نتایج حاصل از سرشماری جمعیت و سرشماری اقتصادی ، بخش مربوط به کارکنانی که فعالیت اصلی آنها بطور رسمی و در واحدهای آشکار بود ، کنار گذاشته می شد . درحالت فزونی نتایج سرشماری جمعیت ، فرض براین بود که این تفاوت مربوط می شود به کارکنان فعال در خارج از ساختار فعالیت آشکار ، چه در منزل ، و چه در موسسات غیررسمی ( موسساتی که به ثبت نرسیده اند ) . بالاخره ، در مورد فزونی نتایج سرشماری اقتصادی ، فرض براین بود که اختلاف ناشی از کارکنانی است که دارای دوشغل هستند . در واقع ، درحالیکه سرشماری صنعتی و خدماتی ، تعداد صاحب کارها را مشخص می کند ، گذشته از سابقه تاریخی کار خود کارگرا ، در سرشماری جمعیت ، فقط شغل ( فعالیت ) اصلی مردم سوال می شود . بنابراین ، احتمال دارد کسانیکه در یک شیفت در یک موسسه کارمی کنند ، در شیفت دیگری در موسسه دیگری به فعالیت مشغول باشند . بالاخره ، در محتوای خاص این مقایسه ها از طریق تطبیق آمارها ، جریان بررسی نمونه ای نیروی کار کمک به شناسائی گروهی از افراد نمود که با وجود آنکه اظهار نمود ه بودند شاغل نیستند ، در طول مصاحبه تصدیق کردند که چند ساعتی کارمی کنند . این همان گروه از افرادی هستند که کارکنان اتفاقی یا نهایبی ( ۱ ) نامیده می شوند . سرشماری مزارع و باغات نشان داد که بخش کشاورزی فاقد افرادی است که دارای شغل دوم می باشند .

بررسیهای مستقیم تقاضا برای کالاها و خدمات که در مورد اقتصاد پنهان صورت گرفت راه را برای یافتن باقیمانده نیروی کار شاغل در فعالیتهای پنهان باز نمود. • بخصوص تمایل پاسخگویان به همکاری در مورد تمایزگذاری بین بازار آشکار و پنهان (سیاه)، به این امر کمک بسیار موثری نمود.

کاربرد زیاد آمار حمل و نقل کمک نمود که تعداد رانندگان تاکسی و اتوبوس را تخمین زنییم و ببینیم که این آمار بیش از آمار سرشماری است. • حتی برخی از آمارهای مالیاتی در مورد فروشندگان دوره گرد و سایر بخشهای خدماتی، بیش از نتایج سرشماری بود، زیرا این افراد جهت دست یابی به تخفیفهای مالیاتی و کسرکردن هزینه ها از درآمد (طبق قانون مالیات بر ارزش افزوده)، خود را بهترین مأمورین مالیاتی نشان می دادند. • بررسیهای بعمل آمده توسط دانشگاهها و وزارت کشور و وزارت کار در مورد کار غیرمجاز مهاجرین نیز نشان دهند که این امر بود که تعداد آنها بیش از نتایج سرشماری می باشد.

کاربرد این روشها، منتج به شناسائی ۲۸ میلیون شغل دارای اهمیت و مدت متفاوتی که معادل ۲۲ میلیون شغل تمام وقت بود، گردید. • روشهای مورد استفاده این امکان را هم بوجود آورد که درآمد موسسات کوچک و سود سرمایه از قلم افتاده هم محاسبه گردد. • ارزیابی و تعیین حدود سهم روشهای جدید در محاسبه اقتصاد پنهان، در چارچوب معیار تولید ناخالص داخلی آسان است. • در سال ۱۹۸۲، یعنی سالی که طبق روش جدید، تولید ناخالص داخلی معادل ۱۵/۹ درصد رشد نشان می داد، ۴/۶ درصد رشد مذکور ناشی از مشاغل غیررسمی بود. • سهم کم گوئی درآمد ها و سود سرمایه های از قلم افتاده هم ۲/۶ درصد رشد را می پوشاند که رویهم ۷/۲ درصد می گردید. • ۲/۰ درصد دیگر هم از تطبیق اقلام حاصل از سرشماری و بررسی نمونه ای نیروی

کار، بدست آمد. بطور کلی اعتقاد براین است که سهم درآمد های پنهان نمی تواند بیش از ۸ درصد باشد و بقیه رشد مربوط به بهبود کیفیت آمارد رفاگیری بیشتر منابع است.

شکی نیست که سهم اقتصاد غیررسمی در تولید ناخالص داخلی ایتالیا زیاد است. روش مقایسه آمار حسابهای ملی و آمارهای مالیاتی که قبلا ذکر شد، دامنه و وسعت اقتصاد غیررسمی را نشان می دهد و چیزی حدود ۲۵ - ۲۰ درصد تولید ناخالص داخلی می باشد.

ه - نتیجه گیری و پیشنهادات :

در پایان چند نتیجه گرفته می شود. بخش اعظم اقتصاد پنهان در واقعیت جنبه قانونی دارد و در نتیجه، از نظر آماری قابل ارزیابی است. بهتراست افراد رقالب تولید مشخص شده توسط حسابهای ملی برآورد نمود تا با اقتصاد جزائی یا اقتصاد غیررسمی مخلوط نشود (اقتصاد غیر رسمی شامل کارهای انجام شده توسط شخص برای خودش، تولید مواد غذایی برای خود و...) . فعالیتهائی که به تولید ناخالص داخلی ختم می شود، می تواند آشکار یا پنهان باشد. در برخی از بخشها و در سطح برخی از مشاغل، در برخی اوقات، کارکنان برای بهبود وضع درآمد خود ممکن است یکی از مقررات کار موجود را نادیده بگیرند ( نظیر کارت اشتغال، ثبت نام برای تامین اجتماعی، جواز کسب، ثبت در اتاق بازرگانی، عدم ارائه اظهارنامه مالیاتی و غیره ) . چنین اشخاصی پنهانی عمل نموده و سعی در فرار از دست مقامات دولتی دارند. ولی آنها که مقررات را درست اجرا می کنند، بطور علنی فعالیت کرده و اقتصاد آشکار را بوجود می آورند که مطالعه و ارزیابی آن آسانتر است.

این تمایز بدین معنی نیست که اقتصاد پنهان از بررسیهای آماری فرار می کند. موسسه آمار ایتالیا از طریق سرشماری، بررسیهای نمونه ای جانبی ( غیرمستقیم )، و بررسیهای نمونه ای مستقیم، بدون توجه به روابط واحد مورد بررسی با مقامات مالیاتی و مقررات تامین اجتماعی، سعی در ارزیابی



آمارکلیه فعالیتها دارد . واقعیت هم این است که موسسه آمار همیشه سعی دارد که برای اندازه گیری تولید ناخالص داخلی از منابع آماری مربوط به مالیات ، استفاده ننماید . اگر خطای تولید ناخالص داخلی را بعنوان نماگر میزان سهم اقتصاد پنهان در نظر آوریم ، مارا همراه می کند زیرا نه فقط خطا می تواند ناشی از عدم دقت تخمینها باشد ، بلکه بطور عادی تولید ناخالص داخلی بخشی از اقتصاد پنهان را شامل می شود .

بنابراین ، بسیاری از روشهای غیرمستقیم پیشنهادی اقتصاددانان و جامعه شناسان برای تخمین کلیه فعالیتها و مبادلات اقتصادی ، از طریق محاسبه تفاضل یا باقیمانده تولید ناخالص داخلی ، بواسطه نکات مذکور در پاراگراف قبل ، ودلیل دیگر مردود است .

روش بررسی مستقیم که در سالهای اخیر توسط آمارشناسان تعدادی از کشورها پیشنهاد شده است ، درخور توجه بیشتری است . بخصوص بررسی مصرف کنندگان کالاها و خدمات از نظر نحوه یانمیع خرید کالا یا خدمت ( رسمی و غیررسمی ) دارای توفیق بیشتری بوده است . در جوامع غربی دیده شده است که ارزیابی میزان فعالیتها غیررسمی و شب کاری ، کسب و کاربرد و ن جواز ، از طریق مصرف کنندگان آنها با هیچگونه مقاومتی مواجه نبوده و آماربخش غیررسمی را بخوبی ارائه داده است . بعکس ، بیشترین مشکلات ، در ارزیابی اقتصاد رسمی ناشی از مراجعه به عرضه کنندگان بوده است . جهت فرار از این مشکلات ، نوعی بررسی که همان بررسی نحوه استفاده از وقت است نیز مورد استفاده می باشد ( بخصوص در هلند ) و در این بررسی نه فقط وقت تفریح و فراغت سوال می شود ، بلکه کلیه فعالیتها هم که استفاده اقتصادی دارد ، مورد سوال قرار می گیرد . این روش بررسی که توسط نظریه بکر (۱) تقویت می شود ، سهم اقتصاد پنهان را در کل اقتصاد ، مشخص می کند و

همه روزه توجه بیشتری را بخود معطوف می نماید . روشهای بررسی مستقیم علاوه بر ارزیابی کلان ، برای کسب اطلاعات در سطح خرد و تجزیه و تحلیل جریان تولید و مطالعه تمام جنبه های بازارکار ، مناسب می باشد .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی